

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

در باره مناسبات اتحاد شوروی با مصر و دورنمای آن

خبرنگار روزنامه عراقی «الفکر الجدید» مصاحبه ای با محمد حسین هیکل، سر دبیر پیشین روزنامه مصری «الاهرام» و وزیر پیشین وزارت اطلاعات مصر، در باره روابط اتحاد شوروی با مصر و دورنمای آن بعمل آورده است که از لحاظ اهمیتی که دارد، خلاصه ای از آن را به اطلاع خوانندگان عزیز می‌رسانیم.

حسین هیکل در این مصاحبه به تشریح جزئیات روابط دوستانه و همکاری میان مصر و اتحاد

پیام

سینه مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان ایران

بمناسبت اول ماه مه

رفقای کارگر، برادران زحمتکش کمپنه مرکزی حزب توده ایران بمناسبت روز مه - روز همبستگی رزمی همه کارگران و بان جهان شما کارگران و زحمتکشان ایران گویید. برادران عزیز! تنها وقتی با اتحاد سازمان دهی و مبارزه برای منفی و آزادیهای دموکراتیک می‌توانید به خواسته‌های برسید! امسال هم باز شما بجزور هستید روز اول ماه مه، جنگی کارگران و زحمتکشان جهان را در خفتناک سیاهی که رژیم غارتگر و ضد ملی شاه رما تحمیل کرده است، بگذرانید. در این خش عظیمی از جهان - در کشورهای سوسیالیست که طبقه کارگر با تکیه به همکاری سایر ان قدرت دولتی را بدست گرفته است، و سرور راستین خلق بریاست. کارگران و ان در پیشاپیش همه خلق، پیروزهای بدست چش میگیرند و خود را برای پیشرفت‌های شرف در راه بهتر کردن زندگی مانی و بالا بلج فرهنگ اجتماعی آماده میسازند و تهدات بیشتری را برای همدردی و کمک به برادران زحمتکش خود در سایر کشورها متقبل میشوند. در یک رشته از کشورهای آسیا و آفریقا و لاتین که رژیمهای خلقی باتکیه به جبهه متحد و سایر زحمتکشان شهر و ده قلمت دولتی را گرفته زالوهای امپریالیستی را از پیکر خود بدور انداخته و در راه پیشرفت اجتماعی با دست سوی سوسیالیسم گام بر میدارند، روز اول ماه ز جشن و سرور برای پیروزیهای بدست آمده حکیم صفوف نبرد علیه امپریالیسم و دشمنان به روز همبستگی با سایر خلقهایی که هنوز ان اسارت ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی بر پایشان است مبدل شده است.

در برخی از این کشورها همانطور که میدانید برای بار اول ویا بار دوم است که بطور بر گزار میشود. تاهمین یکی حوصل پیش بود گروهانی مانند ویتنام جنوبی، لائوس و کامبوج، برتقال، یونان و اسپانیا در اروپا و حبشه، موزامبیک و گینه بیسائو در آفریقا هنوز فاشیستی نظیر رژیم ایران تسلط مطلق مبارزان تنها در زندانها ویا در مخفی گاهها، درهای بسته خانهها در گروههای کوچک ند روز اول ماه مه را یاد کنند و ان تشریروز پرشتاب نیروها در صحنه جهانی به سود کشور سوسیالیستی و بزبان امپریالیسم موجب شده است ش‌های آزادیبخش ملی و جنبش کارگری جهانی فرسنگی به پیش روند و هر روز مواضع تازه‌ای کمال خونین امپریالیسم و ارتجاع خودی در در کشورهای سرمایه‌داری که طبقه کارگربا متحد و مبارزه پیگیر خود توانسته است یک ادیهای دموکراتیک سیاسی را برای خود بگیرد ری کند. روز اول ماه مه، روز تظاهر نیرومند تحد کارگران و زحمتکشان، روز اعلام صده راستهای طبقه کارگر برای بهبود شرایط زندگی

و اعلام پایداری در برابر تجاوزات روزافزون انحصارهای سرمایه‌داری است. و اما در مین رنج‌دیده و رنج کش ما ایران و در کشور های فاشیستی و شبه فاشیستی نظیر آن مانند شیلی و اندونزی و برزیل و آفریقای جنوبی، در کشورهاییکه هنوز قدرت دولتی در دست سیاهترین و خون آشامترین تشر طبقه حاکمه است، روز اول ماه یا اصلا با سکوت مرگبار برگزار میشود و یا مثل ایران که پس از مدت‌ها مقاومت از طرف محافل حاکمه به پذیرش آن مجبور شدند، بصورت یک صحنه سازی فر آمده است که در آن شما کارگران و زحمتکشان را بوزر و میدارند برای رهبر غارتگران و آدمکشان یعنی شاه نباش کنید و در جلو پرده ای که در پس آن زندگی دشوار شما زحمتکشان و خانواده های میگذرد و هزاران نفر از بهترین یاران شما، از برادران کارگرتان، که تنها جرمشان دفاع از حقوق حقه شماست، در زندانها و تبعید گاهها و زیر شکنجه‌های طاقت فرسا جان میکنند، پانکوبی نمالید.

این صحنه سازی درد آور در کشوری است که بدون سردید امروز در شمار یکی از نیرومند ترین کشورهای جهان جای گرفته است و میتواند تنها با درآمد سرشاری که از فروش نفت و گاز بدست می‌آورد، در صورتیکه این درآمد برای پیشرفت اجتماعی و بهبود زندگی مردم بکار برده شود، گام های سریعی بجلو بردارد. ولی شما بخوبی شاهد و گواه آن هستید که بخش عمده این درآمد سرشار، بجای آنکه برای بهتر کردن شرایط کار و زندگی زحمتکشان ایران مصرف شود، برای خرید جنگ افزارهای تهاجمی که بخش مهمی از آن از سلاحهای تازه و بی فایده امپریالیستی امریکائی و انگلیسی و آلمانی و فرانسوی است بکار میرود، بخشی از آن برای ساختن فرودگاهها و پایگاهها و جاده های نظامی بدور ریخته میشود و بخشی هم برای نگهداری ارتش و ژاندارمری و پلیس بکار برده میشود. که بهیچ وجه تناسبی با بنیه و نیاز ایران ندارد و مأموریت عمده ان سرکوب هر گونه جنبش آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم ایران و دفاع از منافع امپریالیستیها در منطقه اطراف ایران است. کار غارت ثروت ملی ما بااینجا تمام نمیشود. رژیم شاه برای تأمین منافع امپریالیستیها، در حالتی که اکثریت مردم ایران هنوز از ابتدائی ترین وسایل زندگی، از مسکن عالی، خوراک و پوشاک، بهداشت و آموزش محرومند، میلیاردها تومان از ثروت ملی ما را برای نجات شرکها و مؤسسات در حال ورشکستگی امپریالیستی مانند کروب و نظایر آن بدور میزد و بسود انحصار های غارتگر جهان خورامیاند شرک نفت انگلیس، که بزرگترین سهامدار کسرسیم غارتگر نفت ایران است، برای اکتشافات دریاهای دور دست که امید یافتن ذخایر نفت در آنها تا چیز است، حاتم بخشی میکنند. با همین حاتم بخشی های غارتگرجهست که اقتصاد ما با وجود درآمد عظیم نفت دچار بحران جانی شده و اکوت رژیم میکوشد تمام غواص فردناک این بحران را بدوش کارگران و زحمتکشان بیاندازد. برای جلو گیری از هر گونه تظاهر ناخشنودی مردم، برای سرکوب وحشیانه هر گونه حرکت حق طلبانه دستگه عظیم ترور و وحشت ساواک بوجوامده است، که با بودجه بی حد و حساب با اختیارات مطلق

شوروی اشاره کرده، مراحل مختلف این روابط را مورد تحلیل قرار میدهد و با تشریح خصلت این روابط نقش مثبت و موثری را که پشتیبانی و کمکهای همه جانبه اتحاد شوروی در امر استحکام مبانی استقلال جمهوری نوپید مصر و بطور کلی تقویت جنبش استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی خلقهای عرب ایفاء کرده و میکند تأیید مینماید.

هیکل از جمله خاطرات نشان میدهد پس از تثبیت رژیم جدید در مصر (پس از انقلاب ۱۹۵۲) این واقعت از جانب اتحاد شوروی با نظر مثبت تلقی شد و روابط اتحاد شوروی با مصر مورد ارزیابی نوینی قرار گرفت. این روابط متناسب با آنکه خصلت ملی و ضد امپریالیستی رژیم مصر، مشخص تر و آشکارتر گردید توسعه و استحکام بیشتری یافت.

در آن دوره مسرتله ساختمان سد آوان در برابر جمهوری مصر مطرح بود. ایالات متحده امریکا در نظر داشت که با دادن اعتبار و شرکت در سرمایه گذاری برای ساختمان این سد از نوساطه خود را بویژه در زمینه صدور تسلیحات برای ارتش به مصر تحمیل کند. اما پس از اینکه فروش تسلیحات امریکائی برای ارتش مصر به نتیجه ای نرسید و پرزیدنت ناصر قرارداد خرید اسلحه از اتحاد شوروی را قیخ نکرد

پاسخ رفیق آوارو کونیا
دبیر کل حزب کمونیست پرتقال
به پیام حزب توده ایران
به دبیر اول حزب توده ایران - رفیق عزیز ایچ اسکتری!
پیامی را که بمناسبت تجدید انتخاب اینجانب سمت دبیر کل حزب کمونیست پرتقال ارسال داشته بودید با تشکری بسیار صمیمانه دریافت داشتم. رفیق عزیز! از فرصت استفاده میکنم و برای حزب شخصی شما موفقیت بزرگ و سلامتی و سعادت شخصی را آرزو مندم. با سلامهای برادرانه آوارو کونیا

برای تجاوز به زندگی و ناموس مردم ما به یکی از سیاهترین وید نام ترین دستگاههای جنایت و آدمکشی در سراسر جهان معروف شده است. در سایه حمایت این دستگاه جهانی است که همه گونه حقوق صنفی و سیاسی از شما کارگران و زحمتکشان ایران، که صاحبان اصلی تمام ثروت‌های کشور هستید، گرفته شده و دست سرمایه داران وابسته به انحصار های امپریالیستی و سایر غارتگران داخلی و خارجی برای چپاول حاصل دسترنج شما باز گذاشته شده است. استبداد شاه سندیکا های کارگری را به دستگه های پوچ و تو خالی مبدل ساخته است. ساواک مأموران خود را بنام نمایندگان کارگران به شما تحمیل میکند و اگر شما در اینجا و آنجا بخواهید نماینده واقعی خود را برگزینید، او را بنام اخلاکگر و آشوبگر از کار برکنار میکند، بزندان میافکند تبعید و حتی سر به نیست میکند. در سایه همین دستگه است که رژیم مبارزات حق طلبانه شما را، تا هنگامیکه جنا جندا بدون همبستگی پنهان‌وعلنی شوند، با دهنش پینظیری سرکوب میکند، بخون میکشد و بهترین یاران شما را بزندان و تبعید گاه میفرستد. نمونه های کرج، نساجی شاهی، جیت سازی تهران، معادن سمنان ودهها نمونه دیگر برای این واقعت اجتماعی کشور ما شاهد گوناکی هستند. در سایه همین دستگه سیاه جهانی است که گروههای غارتگر داخلی، سرمایه داران بزرگ وابسته به انحصار های امپریالیستی، بانکداران، سفته بازان زمین، مالکان زمینهای بزرگ کشاورزی، گردانندگان مزد و غارتگر دستگه دولتی و ارتش، میابارده ثروت ملی را از راههای گوناگون بجیب خود میریزند و اگر مجبور شوند در مقابل بالا رفتن سراسم آور هزینه زندگی چند تومانی به مزد کارگران و زحمتکشان بیفزایند، دنباله در صفحه ۲

بلافاصله ایالات متحده امریکا پیشنهاد خود را در باره شرکت در سرمایه گذاری و دادن اعتبار برای ساختمان سد آوان پس گرفت. پرزیدنت ناصر تصمیم گرفت شرکت کانال سوئز را ملی کند که پی آمد آن تجاوز سه جانبه انگلستان، فرانسه و اسرائیل در سال ۱۹۵۶ بود. این عوامل خصلت ضد امپریالیستی رژیم مصر را تثبیت نمود. جنگ سوئز در زمین حال محتوی اجتماعی واقعت زندگی مصر فر آن دوره را روشن تر نمود. پرزیدنت ناصر پیش از این حوادث هم در این باره میاندیشید که مصر متعلق به کیست، پس از جنگ سال ۱۹۵۶ خطوط ضد امپریالیستی و مخالفت با یمنانهای نظامی امپریالیستی در مصر کاملاً مشخص و آشکار ترسیم شد و در زمین حال حسن نیت و نظر مثبت نسبت به اتحاد شوروی بیشتر گردید. بنا اتحاد شوروی موافقت نامه‌هایی در مورد تسلیحات و ساختن سد آوان امضاء شد. حسین هیکل در پاسخ پرسش خبرنگار در مورد اینکه آیا از جانب رهبران شوروی کوششهایی برای بررسی و بحث پیرامون امور داخلی مصر و اعمال تأثیر بر رهبری سیاسی مصر مشاهده میشد، اظهار میدارد: من دنباله در صفحه ۲

اظهاریه مشترک
کمپنه مرکزی حزب توده ایران
و هیئت رئیسه حزب کمونیست آلمان
پیگرد مهین پرستان ایرانی در جمهوری فدرال آلمان بوسیله پلیس مخفی ایران ساواک و همکاری، این سازمان تروریستی با سازمان اطلاعاتی آلمان فدرال علیه دمکراتهای ایرانی، که بتازگی افشاء شده است، یار دیگر بر خطری که هر روزه دمکراتهای ایرانی را تهدید میکنند، برخصلت ضد دمکراتیک رژیم شاه و بر فعالیت سوء سازمان اطلاعاتی آلمان فدرال گواهی میدهد. چنانکه معلوم است، ۲۴ سال است یک رژیم دیکتاتوری در ایران حکومت میکند، که ابتدائی ترین حقوق بشر را از بین برده است. ساواک دیگر اندیشان را تعقیب میکند، شکنجه میدهد و میکشد. تعداد زندانیان سیاسی معلوم نیست، ولی این تعداد بین ۲۵ تا ۴۰ هزار تخمین زده میشود. در بین زندانیان سیاسی، کارگران، دهقانان، روشنفکران، روحانیون، سربازان، افسران، زنان، جوانان و دانشجویان با گرایشهای گوناگون سیاسی دیده میشوند. بسیاری از زندانیان سیاسی ساهلست که در زندان بسر میبرند، از جمله: صفر قهرمانی، که به احتمال قویترین زندانی سیاسی جهان است، ۳۰ سال؛ محمد علی عنوفی، اوتتراب باقر زاده، عباس حجری، تقی کی منش و رضا شاموکی (اعضاء سازمان افسری حزب توده ایران) ۲۲ سال؛ علی خاوری، مبارز برجسته و عضو حزب توده ایران، غنی بلورلیان، دکتر بتی طرفه، بهرام‌الدین مدنی، علی نوشیزی، حمید قلم نیرمان، عزیز یوسفی بیش از ۱۰ سال. بسیاری از زندانیان سیاسی که دوران «مکرومیت» خود را بیابان رسانده اند، همچنان در زندان بسر می‌برند، از جمله: صابر محمد زاده و آصف رزم‌دیده. در چهار سال اخیر بیش از ۲۰۰ نفر به اشکال مختلف توسط ساواک بقتل رسیده اند.

این وضع تحمل ناپذیر تقویت همبستگی افکار عمومی دمکراتیک را با مبارزه مردم ایران علیه دیکتا توری و ترور سیاسی، برای دمکراسی، آزادی و حقوق بشر ضرور میسازد. حزب توده ایران و حزب کمونیست آلمان علیه ترور ساواک در ایران و فعالیت مغرب آن در جمهوری فدرال آلمان پشتد اعتراض میکنند و از حکومت فدرال آلمان مطالبند که فعالیت این سازمان تروریستی را علیه دمکراتهای ایرانی در جمهوری فدرال آلمان ممنوع سازد. حزب توده ایران و حزب کمونیست آلمان دنباله در صفحه ۲

پيام كميته مركزي حزب توده ايران

با بالا بردن چند برابر بهای لوازم مصرفی، کرایه مسکن و خدمات درمانی و بهداشتی، آنرا دو باره باز میستانند.

شاه و نوکران چاپلوسش هر روز اعلام میکنند که درآمد ملی سرانه منهن ما بمیزان زیادی بالا رفته و به سرعت رشد میکند. این درست است. با بالا رفتن بهای نفت و گاز صناعتی و با کار طاقت فرسای شما زحمتکشان، هر سال ثروت بیشتری در کشور ما تولید میشود. ولی این ثروت عظیم تولید شده چگونه بین غارتگران و غارت شدگان یعنی بین تاراجگران امپریالیستی و گردانندگان رژیم از یکسو و شما زحمتکشانی از سوی دیگر تقسیم میشود؟ و از درآمد ملی به شما چه سهمی میرسد و به غارتگران و نوکران شما چه سهمی میرسد؟

در حالی که کرایه یک اتاق بدون برق و آب در تهران از چند صد تومان تجاوز کرده است، مزد یک کارگر عادی در کارخانه و یا یک آموزگار و حتی یک پاسبان از هزار تومان کمتر است. شما امروز مجبورید مراتب سهم بیشتری از درآمد خود را برای کرایه خانه بپردازید. شما و فرزندان امروز مراتب کمتر از ده سال پیش که درآمد کمتری داشتید، و در آمد ملی ایران یک دهم درآمد کنونی بود، به گوشت دسترسی دارید. زندگی اکثریت کارگران و زحمتکشان شهر و روستای ایران، با وجودیکه مزد و درآمدشان باصطلاح از جهت اسمی بالا رفته است، در واقع دشوار تر از گذشته است و کسانیکه در وضع مادیشان بهبودی پیدا شده، این بهبود بهیچوجه متناسب با رشد عظیم ثروت و درآمد ملی ایران نیست. همه شاهد آن هستید که ثروتمندان با سرخی خیره کننده بر ثروتشان میافزایند و این ثروت را بجای آنکه بکارهای تولیدی در ایران صرف نمایند به کشور های امپریالیستی منتقل میکنند و یا طبق آمار رسمی دولت، تنها در سال گذشته بیش از ۱۴ هزار میلیون تومان بصورت ارز از کشور خارج شده است و این غیر از دهها هزار میلیون تومان دیگری است که شاه و خانواده غارتگرش بهمینوسی سایر مژدهوران و نوکرانشان از معاملات خرید اسلحه و خرید وسایل مصرفی و خرید های دیگر بعنوان حق و حساب گرفته و در بانکهای خارجی انباشته اند.

در مقابل این ثروت روز افزون، عیالی اسرار غارتگران برای شما کارگران این بود که با هزار حقه بازی و با تصحیح به آدمکشان ساواک، وزارت کار و سرمایه داران توطئه ای را که مدنظر بود نقشه اش را میکشیدند. عملی کردند و سود ویژه را که در واقع خودبیشی از دستمزد شما بود که تحت این عنوان فروبرنده میبرداشتند و این خود یکی از نیرنگ های رژیم بود ولی تا حد ناچیزی مزدهای کم شما را ترمیم میکرد بقدر زیاد محدود کردند.

برقراری سود ویژه و تحمیل اضافه کاری دو نیرنگ غارتگران است که بوسیله آنها استمرار کارگران را هرچه بیشتر شدت میدهند. بنام اضافه کاری کارگران را مجبور میکنند بجای هشت ساعت کار، که در قانون ظاهراً برسمیت شناخته شده، ۱۰ تا ۱۲ ساعت کار کنند و با کمک سود ویژه کارگران را مجبور میکنند تا باید اینکه در آخر سال چیزی از سود ویژه بدست آنها برسد، از اختصاص خودداری نمایند و با تحمل فشار هرچه بیشتر بازدهی کار را بالا برند. ولی استمرار کاران حالا حتی به این نیرنگ ها هم دیگر احتیاج ندارند. آنها سیاست غارتگرانه خود را در جهت تشدید هر چه بیشتر استثمار، یعنی بالا بردن بازدهی کار و پائین نگهداشتن و حتی کم کردن مزد کارگران باز هم شدید تر دنبال مینمایند. عملی کردن این توطئه یکبار دیگر بروشنی نشان میدهد که رژیم ضد کارگری و ضد دموکراتیک کنونی تا آنجا که دستش برسد سیره کارگران و زحمتکشان را خواهد کشید. برای خاتمه دادن باین افسار گسیختگی راه دیگری جز اتحاد و مبارزه پیگیر کارگران و زحمتکشان وجود ندارد.

رقعی کارگر، زحمتکشان شهر و روستا!

تنها و تنها نیروی متحد و مبارزه پیگیر شما است که میتواند به این افسار گسیختگی رژیم غارتگر انجام زند و خواستهای حقه شما را که صاحبان واقعی و تولیدکنندگان اصلی همه ثروتهای کشور ما هستند تأمین کند. هیچ نیروی دیگری در کشور ما نیست که بتواند شما را از این درد و رنج رهائی بخشد.

برای شما و خانواده هایتان زندگی قابل تحملی بوجود آورد، به دربردی صد ها هزار دهقان بی زمین و کم زمین که بعنوان کارگر موسمی دور از خانواده خود، در شهر ها و راهها جان میکنند، و در کوچه ها و خیابانها و بیوله ها روی زمین میخوابند، پایان دهد و برای شما و خانواده تان شرایط زندگی و کار مناسب و خدمات پزشکی لازم را فراهم کند و آموزش فرزندان را برای کار و زندگی فردا تأمین نماید.

زحمتکشان زن!

شما که درشرایط بسی دشوارتر از زحمتکشان مرد رنج میبرید و در مقابل کار طاقت فرسا مزد بسیار ناچیزی، که بمراتب از مزد نارسای مردان هم کمتر است، دریافت مینارید، تنها با مبارزه پیگیر و همگام با نیروی متحد سایر زحمتکشان میتوانید به این وضع رنج آور پایان بخشید.

روشنفکران زحمتکش، آموزگاران و کمک آموزگاران شهر و ده، کارمندان خرده پای مؤسسات اقتصادی و دولتی، شما که بکار شرافتمندانه خود تکیه دارید و تمیخواهید خود را با فساد عمومی دستگاه های دولتی و اقتصادی آلوده سازید، شما که در همه جا با زندگی زحمتکشان در تماس هستید، شما که خود از محرومترین اقشار اجتماعی هستید، شما نیز تنها با اتحاد با کارگران و زحمتکشان و با مبارزه متحد و پیگیر میتوانید بطور مؤثری در این نبرد برای احقاق حقوق خود شرکت ورزید. از آنجا که اتحاد و تشکل شرط ثمربخشی در مبارزه است لذا شمار روز کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا و همه روشنفکران زحمتکش چنین است:

«متحد شویم! سازمان یابیم! مبارزه کنیم!»

تنها و تنها با عملی ساختن این شعار عمومی است که شما کارگران و زحمتکشان ایران میتوانید نیروی عظیم و شکست ناپذیری را که در اختیار دارید آماده نبر سازید.

برادران کارگر و زحمتکش!

نیروی شما عظیم و شکست ناپذیر است. دشمنان شما، دشمنان خلق، دشمنان آزادی و استقلال ملی به این واقفیت واقفند و از نیروی متحد و سازمان یافته شما هراسناک اند و از همین رو میکوشند در شما احساس ناتوانی بوجود آورند تا شما در برابر آنان برانو در آئید و اراده پایداری و مبارزه را از دست بدهید.

طبقه کارگر ایران اگر متحد و متشکل شود نیروی شگرفی است که هر روز، هم از لحاظ آگاهی و مبارزه جوئی اش درحال رشد سریع است. سرمایه داری ایران برای بهره کشی بوجود و افزایش طبقه کارگر نیازمند است. سرمایه داری ایران در مرحله کنونی بدون افزایش تعداد کارگران نمیتواند رشد کند. رشد کمی و کیفی طبقه کارگر پایه و اساس هرگونه تحول بنیادی جامعه ایران است. اندازه شما روزتر و عمیقتر به نیروی شکست ناپذیر اتحاد پی برید و سازماندهی آن بپردازید، هماقتر روزتر خواهید توانست بدردها و دشواریهای کنونی خود پایان بخشید.

نیروی شما کارگران به مرز های ایران محدود نمیشود. همفردی بین المللی زحمتکشان، امروز به نیروی بسیار عظیم و مؤثری تبدیل شده است.

مبارزات طبقه کارگر در کشورهای مختلفی که سرمایه بران تسلط دارد، مبارزه خفاها در کشور های «جهان سوم» از آنجمله در ویتنام، لاوس، کامبوج، آنگولا، موزامبیک و گینه بیسائو نشان داد که در شرایط کنونی جهان، اگر نیروی عظیم زحمتکشان بانویری عظیم خلق یک کشور متحد شود، سازمان یابد و در میدان نبرد گام گذارد، توانایی آنرا دارد که با یاری زحمتکشان سایر کشورها، نه تنها سیاهترین ارتجاع داخلی، بلکه حتی ارتشهای عظیم مداخله جوی امپریالیستی مانند ارتش ششصد هزار نفری آمریکا و ارتشهای پرتغالی و مزدوران فاشیست را برانو در آورد، از منهن خود نیروی برون برد و پرچم حاکمیت خلق را بر فراز کاخ های غارتگران داخلی و خارجی به اهتزاز در آورد.

اینست قانون عمومی تحولات جهانی در دوران ما، قانونی که بدون تردید منهن ما را هم در برمیگیرد. کارگران مبارز زحمتکشان پیشرو شهر و روستا! از اتحادیه های موجود واز قوانین و آئین نامه ها و تعهدات موجود هلی و کارفرمایان و از همه امکانات و تهدات پیشرفت منافع کارگران و زحمتکشان ماهرانه و بعد اکثر استفاده کنید. در کارخانه و کارگاهی که کار میکنید، بکوشید با مراعات اصل پنهانکاری، بطوریکه مأموران خون آشام ساواک در نیابند، با همکاری بهترین کارگران آماده برای مبارزه، هسته های فشرده برای فعالیت در میان کارگران بوجود آورید.

در باره مناسبات اتحاد شوروی ...

بخوبی بیاد دارم که رهبران اتحاد شوروی در مذاکرات خود با رهبران مصر بیشتر به تشریح مسائل داخلی و تجارب کشور خود توجه داشتند و به مصاحبان خود امکان میدادند که خوششان از این تجارب نتیجه گیری نمایند. آنها اوضاع داخلی کشورهای عربی را مورد بحث قرار ندادند. مگر در مواردیکه رویدادهای جهان عرب بررسی این اوضاع را اجاب میکرد. من بخاطر دارم که رهبران اتحاد شوروی با پرزیدنت سادات هم در باره اوضاع داخلی مصر صحبت بعینل نمیاوردند و حتی به اتهامات و حملاتی هم که هرچند گاه از جانب محافل یا مطبوعات مصری علیه اتحاد شوروی انجام میگرفت اشاره ای نمیکردند.

تجارب اتحاد شوروی برهبری مصر کمک میکرد که به پدیده های مهم توجه لازم را داشته باشند. من گفتگوی خود را با پرزیدنت ناصر هنگام یکی از مسافرتها به اتحاد شوروی در هواپیمای جت مسافری اتحاد شوروی خوب بخاطر دارم. گفتگو در این باره بود که تجارب اتحاد شوروی بسیار آموزنده و شایان توجه عمیق است. اتحاد شوروی در زمینه های گوناگون زندگی کامیابیهای شگرفی بدست آورده، پروژه در چنین مناطقی مانند سیبری، کارآستان، آسیای میانه و بیولورگی در سراسر کشور اتحاد شوروی که در گذشته کشوری عقب مانده بوده از ایالات متحده پیشی گرفته پروژه در پروژهها و پرواز های کیهانی و در بسیاری دیگر از زمینه ها.

پرزیدنت ناصر براین عقیده بود که در تحلیل آخر مصر مسلماً فقط با پشتیبانی و کمکهای اتحاد شوروی میتواند به اهداف خود نایل آید. این مطلب برای پرزیدنت ناصر یک حقیقت مسلم بود. اوطا پیان داشت که اتحاد شوروی تسلیحات لازم را، برای مبارزه در اختیار مصر خواهد گذاشت. ضمناً پرزیدنت ناصر واقف بود که عوامل و اوضاعی وجود دارد که نباید آنها را از خاطر دور داشت. ازجمله اینکه میدانست که اتحاد شوروی به افکار عمومی محافل اجتماعی توجه

که کارگران در مبارزات منفی سندی کاپی راهتانی نمایند. حانمه اتحاد را گام بگام، و بازم هم با رعایت همه اصول پنهانکاری، از مرزهای کارخانه هاو کارگاهها به هزاران واحد تولیدی دیگر در شهر و روستا گسترش دهید.

در جریان کوشش برای اتحاد بکوشید: این اتحاد را بین همه نیروهای زحمتکش بوجود آورید، صرف نظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی شان، صرف نظر از وابستگی یا هواداری شان از این یا آن گروه، این پایان روش سیاسی، اتحاد همه زحمتکشان پایه اتحاد همه خلق است.

هر گاه که شدت ناخشنودی کارگران و زحمتکشان در اینجا و آنجا آنانرا برای مبارزه آماده میکند، با در نظر گرفتن همه عوامل و شرایط مساعد و نا مساعد با یافتن ثمر بخش ترین شکل مبارزه، با تمام قوا آنها را بسوی چنین مبارزه ای سوق دهید. بکوشید این مبارزه مورد همبستگی و همفردی و پشتیبانی دیگر واحد های کارگری و مردم قرار گیرد. در جریان تدارک و انجام یک نبرد صفتی، کارگران را به واقفیت اجتماعی کشور، یعنی به همبستگی و همکاری سرمایه داران غارتگر با رژیم استبدادی و افزار های آن، ساواک و وزارت کار، آگاه سازید و بکوشید آنانرا برای شرکت در مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک آماده کنید. مبارزه برای آزادی هلی دموکراتیک در چهار چوب جبهه ضد دیکتاتوری، بدون شرکت فعال کارگران و زحمتکشان، قابل تصور نیست.

وقتی کارگر، برادران زحمتکش شهر و روستا، روشنفکران زحمتکش!

بکار بستن رهنمودهای مندرجه در این پیام که درستیش در تمام مبارزات دیگر خلقها و همچنین خلقهای منهن خودمان بارها تأیید شده است، کار آسانی نیست. بویژه در شرایط کنونی حاکمیت استبداد سیاه سیاسی، این راهنی است پس دشوار. ولی این راه را هم باید دانست که این راه با همه دشواریهای یگانه راهست و وظیفه تاریخی مبارزان است که با از خود گذشتی و فداکاری با بمیدان گذارند و به زحمتکشان کمک کنند تا این یگانه راه را به بینند و بمرستی آن محقق شوند و مبارزه را آغاز کنند.

متحد شویم، سازمان یابیم و مبارزه کنیم!

اینست شعار همه زحمتکشان و آزادیخواهان و منهن پرستان!

بکوشم تا این یگانه شعار راستین را هر چه زود تر و هر چه دامنه دارتر تحقق بخشیم.

دارد اتحاد شوروی وظیفه خود را تنها در این که به خلقها کمک کند، بلکه میکوشد با پشتیبانی خود را تشریح کند و نشان بدهد و پشتیبانی از جانب آن بحکم شرایط لازم و ضروری است.

حسین هیگل در پاسخ به این پرسش که بنظر شما روابط مصر و اتحاد شوروی بر چه باید برقرار شود، اظهار داشت: یکی از مشکلات مصر با اتحاد شوروی آنستکه این روابط بطور تماشایی در سطح بالا محدود بوده اکثریت هلی نمایندگان مصر که از اتحاد شوروی دیدن تفراتشته اند با نظر واقع بینانه و به واقفیت بنگرند. اعضای این هیئت هلی نمایندگان برای خود روشن سازند که چه چیزی در واقعیت شوروی، که اختلاف طبقاتی در آن از میاز نهفته است.

حسین هیگل اظهار داشت «منطق» کارزار که پس از جنگ اکثراً در مصر علیه اتحاد بره انداخته شده برای من کاملاً نا مفهوم است. من در جنگ اکثراً ما توانستیم کامیابیهای چشم بدست آوریم بویژه از نقطه نظر نظامی. این در پرتو دو عامل بدست آمدند، ارتش و تسلیحات. تسلیحاتی که در عملیات جنگی عبور از کانال عملیات پهنی موفقیت آمیز آن بکار برده شد، بود که اتحاد شوروی در اختیار مصر گذارد بدینجهت دور از انصاف و خلاف هر گونه منته که جنگا کتبر مورد ستایش قرار گیرد و در نقش و اهمیت کمکهای اتحاد شوروی در س داده شود.

یکی از برجسته ترین نمونه های پستی در ضد اتحاد شوروی تلاش برای کم اهمیت جلوه دادن سد آسوان است و این در صورتی است که سد یگانه واحد بزرگ اقتصادی در مصر است که غرب و هم در شرق از جانب کارشناسان از نظر ساختمانی و اقتصادی مورد بررسی دقیق قرار و مثبت ارزیابی شده است.

هدف این کارزار تبلیغاتی در مورد آسوا خرابکاری و اخلاص در روابط دوستانه مصر و شرق بی اهمیت جلوه دادن کمکهای شوروی بصبر، بلکه تلاشی است برای بی ارزش کردن نقش خود که از ساختمانی افتخار آفرین برای همه خلأ است. در اقتصاد کشور کوشش میشود با، ساختمان این سد در اعتماد و ایمان خلق مصر، امکانات خود برای انجام کارهای بزرگ خلل وارد حسین هیگل در پاسخ به این پرسش خبر نگار آبا شمانسوی به چشم انداز بهبود و توسعه روابط اتحاد شوروی خوش بین هستید؟ اظهار داشت: میگویم که نیروی ترقیخواه را در مصر نمیتوان برد و با آنها را بزانو در آورد. البته امکان آن دارد که در راه پیشرفت این نیرو ها موافقت ولی دیگر بصبر را نمیتوان به دوران گذشته باز کرد بدینجهت من در مورد بهبود روابط مصر و اتحاد خوش بین هستم. من نیروی دیگری را در صحنه نمی بینم که بتواند در امر پشتیبانی از جنبه خلقی عرب با توجه به محتوی اجتماعی و سید جنبش، جایگزین اتحاد شوروی شود.

اتحاد شوروی بدون تردید بهترین دوست حتی اگر مسئله را تنها از نقطه نظر انتخاب زمینه تأمین امنیت خود در نظر بگیریم، مورد رشد و تکامل اقتصادی ما نیز این مطلب صادق است و هیچ کشور دیگری نمیتواند برای ما، اتحاد شوروی بشود. این واقفیت روشنی است « صلح بشیوه اسرائیل، با تصوری که ما از واقعی داریم کاملاً مغضول است و بهمین علت اتحاد شوروی نیاز داریم.

ح ق

اظهاریه مشترک

طرح شکجه، آزادی زندانیان سیاسی، انحلال و تأمین آزادیهای دموکراتیک و حقوق بشر را مردم ایران میطلبند.

حزب توده ایران و حزب کمونیست آلم، افکار عمومی دموکراتیک در جمهوری فدرال آلم، فرامیخوانند که به این اعتراض و به این خواست پیوندند و همبستگی خود را با مردم ایران که راه آزادی خود مبارزه میکنند، گسترش دهند.